



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

«زمستان ۱۴۰۳؛ شماره ۳۸»

نشانی دفتر انجمن: تهران، خیابان نجات‌اللهی، نبش سپند، ساختمان آموزشی دانشگاه پیام‌نور، طبقه سوم، اتاق ۳۰۰

تلفن تماس: ۰۹۱۰۲۶۵۶۱۴۴

رایانامه: dabirsocial@yahoo.com

وبسایت: www.iranian-asp.com

اینستاگرام: www.instagram.com/iranian_asp



آنچه در شماره زمستان می‌خوانید

- ۴ فناوری تغییر شکل صورت و مرزهای خودشناسی ❄️
- ۱۲ نظریه اخلاقی جیمز رست ❄️
- ۳۰ رفتار وندالیستی در نوجوانان ❄️
- ۳۱ چه اتفاقی برای «اجتماعی» در روانی - اجتماعی می‌افتد؟ ❄️
- ۳۶ روان‌شناسی توده‌ای و از خود بیگانگی ❄️
- ۳۹ کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در تبلیغات ❄️
- ۴۲ نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار تحصیلی ❄️
- ۴۵ سد ❄️
- ۵۰ فعال محیط زیست ❄️
- ۵۳ معرفی کتاب ❄️
- ۵۶ شماره جدید نشریه‌های انجمن ❄️
- ۶۰ شرایط و مدارک لازم جهت عضویت در انجمن ❄️





مدیر مسئول: دکتر مجید صفاری‌نیا

سر دبیر: دکتر مجتبی دلیر

همکاران این شماره

Majid Saffarinia (Ph. D)

دکتر مجید صفاری‌نیا

Mojtaba Dalir (Ph. D, Post Doctorate)

دکتر مجتبی دلیر

Azam Farah Bijari (Ph. D)

دکتر اعظم فرح‌بیجاری

Mahnaz Moghanlo (Ph. D)

دکتر مهناز مغانلو

Kamyab Tajasob (Ph. D)

دکتر کامیاب تجاسب

Setareh jafari (M. A. in Social Psychology)

ستاره جعفری

Zahra Nooraeen

زهرا نورآیین

Soraya Anvari

ثریا انوری

Molood Mashhadi

مولود مشهدی

Soheyla Karimi

سهیلا کریمی

Aliraza Fayaz

علیرضا فیاض





فناوری تغییر شکل صورت و مرزهای خودشناسی



دکتر اعظم فرح بیجاری

دکتری روان‌شناسی اجتماعی

شناسایی صورت بخش مهمی از تصویر خود^۱ و تعاملات اجتماعی است. در عصر فناوری دیجیتال پیشرفته، سوالات جالبی درباره ارتباطات و هویت مطرح می‌شود. تغییر هویت صورت ما چگونه بر حس "خود" و تعاملات ما با دیگران تأثیر می‌گذارد؟ این سوالات توسط دکتر شونیچی کاساهارا^۲، محقق استودیو انسان‌شناسی سایبرنتیک در مؤسسه علوم و فناوری اوکیناوا (OIST)^۳ مورد بررسی قرار گرفته است که از تغییر شکل واقعی تصاویر صورت (تبدیل صورت ما به صورت فرد دیگری و برعکس) استفاده می‌کند. این استودیو در سال ۲۰۲۳ به عنوان پلتفرمی برای تحقیقات مشترک بین OIST و آزمایشگاه‌های علوم کامپیوتری سونی تأسیس شد. تغییرات در هویت بصری، به‌ویژه تغییرات در چهره، تأثیرات زیادی بر احساس "خود" و روابط اجتماعی افراد دارد. چهره نقش کلیدی در شناسایی هویت فردی و

¹ self-image

² Shunichi Kasahara

³ Okinawa Institute of Science and Technology



تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند. تغییر در ویژگی‌های صورت، مانند استفاده از فناوری‌های تغییر شکل صورت، می‌تواند باعث احساس بیگانگی یا بحران هویت شود. این تغییرات ممکن است افراد را در شناسایی خود دچار مشکل کند و بر ارتباطات اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارد، چرا که ویژگی‌های چهره برای شناسایی دوستان و آشنایان ضروری هستند.

همچنین، تغییرات در ظاهر می‌تواند نحوه تعامل افراد با دیگران را تغییر دهد و به چالش‌های اجتماعی منجر شود. به‌ویژه در دنیای دیجیتال و با استفاده از فناوری‌هایی مانند دیپ‌فیک^۴، افراد ممکن است احساس کنند که در روابط اجتماعی خود دچار فاصله یا تغییرات در نحوه تعامل شده‌اند. این پژوهش‌ها به ما کمک می‌کنند تا تأثیرات تغییرات هویت بصری بر احساسات فردی و روابط اجتماعی را بهتر درک کنیم.

دکتر کاساهارا و همکارانش به بررسی شناسایی صورت از طریق هماهنگی بین حرکت‌های بدن و بازخورد بصری پرداختند. به عبارت ساده‌تر، آنها بررسی کردند که وقتی یک فرد حرکت‌هایی انجام می‌دهد، چطور تصاویر بصری آن حرکات (که از صفحه‌نمایش دریافت می‌شود) به شناسایی صورت کمک می‌کند. نتایج نشان داد که

^۴ دیپ‌فیک یا جعل عمیق (Deepfakes) به محتوای دیجیتال دستکاری‌شده گفته می‌شود که با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی و یادگیری عمیق ایجاد می‌شود. این فناوری می‌تواند تصاویر و ویدیوها را به گونه‌ای تغییر دهد که ظاهراً فردی در حال انجام یا گفتن چیزی است که در واقع انجام نداده است. دیپ‌فیک‌ها معمولاً برای جایگزینی چهره‌ها یا تولید سخنان ساختگی به کار می‌روند و در صنعت فیلم‌سازی و بازی‌های ویدیویی برای ایجاد تصاویری واقعی استفاده می‌شوند. یکی از نگرانی‌های اصلی در مورد دیپ‌فیک‌ها، توانایی آن‌ها در ایجاد اخبار و اطلاعات جعلی است که به راحتی به نظر واقعی می‌آیند و می‌توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی گمراه‌کننده باشند. همچنین، این فناوری می‌تواند در کلاهبرداری و تهدیدات استفاده شود و سیستم‌های امنیتی مانند تشخیص چهره را فریب دهد. برای مقابله با این تهدیدات، ابزارهای هوش مصنوعی برای شناسایی دیپ‌فیک‌ها در حال توسعه‌اند.



حتی اگر فرد بخواهد یا نخواهد که تصویر خودش تغییر کند، سطح شناسایی صورت او ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر، احساس کنترل بر تصویر صورت تأثیری در شناسایی آن ندارد.

مثال ساده‌ای برای توضیح این موضوع می‌تواند استفاده از فناوری واقعیت افزوده یا ویدیوهای تعاملی باشد. فرض کنید فردی در حال انجام یک حرکت خاص است، مثلاً دستش را بالا می‌برد. وقتی که این حرکت در صفحه نمایش به نمایش گذاشته می‌شود، تغییرات در صورت فرد نیز همزمان به نمایش درمی‌آید، به طوری که فرد می‌تواند ببیند که صورتش چگونه با حرکت دست یا سایر حرکات هماهنگ می‌شود. حالا اگر فرد از طریق حرکات مختلف صورت خود را تغییر دهد (مثلاً اخم کند یا لبخند بزند)، بازخورد بصری که از تصویر خود دریافت می‌کند به شناسایی بهتر یا ضعیف‌تر صورت او کمک می‌کند. در تحقیق دکتر کاساهارا، این بازخورد بصری کمک می‌کند تا فرد صورت خود را بهتر شناسایی کند، اما در عین حال، این تحقیق نشان می‌دهد که حتی اگر فرد به‌طور عمدی یا تصادفی تغییراتی در تصویر خود ایجاد کند، شناسایی صورت همچنان ثابت می‌ماند و هیچ‌گونه تغییری در سطح شناسایی صورت ایجاد نمی‌شود.

تأثیر احساس عاملیت بر ادراک هویت

با انجام آزمایش‌های روان‌شناختی با استفاده از نمایشگرها و دوربین‌ها، دانشمندان بررسی کردند که «مرز خودشناسی» کجاست و چه چیزی بر این مرز تأثیر می‌گذارد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که به صفحه نمایش‌هایی نگاه کنند که در آن چهره‌شان به تدریج تغییر می‌کند. در نقطه‌ای خاص، شرکت‌کنندگان می‌توانستند تغییر در



هویت صورت خود را متوجه شوند و از آن‌ها خواسته شد که وقتی احساس می‌کنند تصویر روی صفحه دیگر متعلق به خودشان نیست، دکمه‌ای را فشار دهند. این آزمایش در هر دو جهت انجام شد: از خود به دیگری و از دیگری به خود.

دکتر کاساها را توضیح داد: "مثل نگاه کردن به صورت خودتان در آینه است که آن را حرکت می‌دهید و خود را شناسایی می‌کنید، اما صورت شما به آرامی تغییر می‌کند تا جایی که متوجه می‌شوید دیگر خودتان نیستید".

محققان بررسی کردند که چگونه سه وضعیت حرکت (همزمان، غیرهمزمان و ثابت) بر مرزهای شناسایی صورت تأثیر می‌گذارد. (منظور از حرکت همزمان یعنی وقتی فرد صورت خود را حرکت می‌دهد، تصویر در صفحه نمایش نیز همزمان با حرکت او تغییر می‌کند. منظور از حرکت غیرهمزمان فرد حرکت می‌کند، اما تغییرات تصویر ممکن است با تأخیر یا به شکلی متفاوت از حرکت واقعی صورت او باشد. منظور از حرکت ثابت یعنی در این حالت، تصویر در صفحه نمایش ثابت می‌ماند و هیچ گونه تغییر یا حرکتی در آن وجود ندارد، حتی اگر فرد صورت خود را حرکت دهد). این سه نوع حرکت برای بررسی تأثیر آن‌ها بر مرز شناسایی صورت و حس ارتباط با تصویر خود مورد آزمایش قرار گرفت. آن‌ها فرض کردند که اگر حرکات همزمان باشند، شرکت‌کنندگان بیشتر با تصاویر شناسایی خواهند شد. به طور شگفت‌انگیزی، آن‌ها دریافتند که چه حرکات همزمان باشند یا نه، مرزهای شناسایی صورت مشابه بود. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان تمایل بیشتری داشتند تا با تصاویر ثابت از خودشان نسبت به تصاویر دارای حرکت صورت خود شناسایی کنند.



نتایج تحقیق نشان می‌دهند که جهت تغییر شکل صورت (از خود به دیگری یا بالعکس) بر شناسایی چهره تأثیر دارد. شرکت‌کنندگان بیشتر زمانی که چهره از خود به دیگری تغییر می‌کند، احساس ارتباط بیشتری با آن دارند. این تحقیق نشان می‌دهد که حتی اگر حس کنترل بر حرکت صورت وجود داشته باشد، این حس تأثیر زیادی بر شناسایی هویت صورت ندارد. به عبارت دیگر، تغییرات صورت، حتی در شرایطی که فرد خود را به گونه‌ای متفاوت می‌بیند، نمی‌تواند تأثیر زیادی بر تشخیص هویت چهره‌اش داشته باشد.

دکتر کاساهارا توضیح داد: "مثال دیپ‌فیک‌ها را در نظر بگیرید که اساساً یک نوع حرکت غیرهمزمان هستند. زمانی که من ثابت می‌مانم اما تصویر بصری حرکت می‌کند، یک وضعیت غیرهمزمان ایجاد می‌شود. حتی در این سناریوهای دیپ‌فیک، ما هنوز می‌توانیم احساس ارتباط هویتی با خودمان داشته باشیم". این نتایج نشان می‌دهند که حتی وقتی نسخه تقلبی یا دستکاری‌شده‌ای از تصویر خود را می‌بینیم، مثلاً فرد دیگری از صورت ما استفاده می‌کند، ممکن است هنوز با آن صورت شناسایی شویم. یافته‌های ما سوالات مهمی درباره درک ما از خود و هویت در عصر دیجیتال مطرح می‌کند.

چگونه هویت بر ادراک کنترل تأثیر می‌گذارد؟

دکتر کاساهارا اخیراً مقاله‌ای منتشر کرده است که در آن با دکتر ون ون^۵ (پروفسور روان‌شناسی از دانشگاه ریکیو^۶)، که در زمینه تحقیق درباره حس عاملیت تخصص دارد، همکاری کرده است. آنها بررسی کردند که چگونه شناسایی خود از طریق

⁵ Wen Wen

⁶ Rikkyo University



ویژگی‌های صورت ممکن است بر نحوه ادراک افراد از کنترل بر حرکات خود تأثیر بگذارد.

در طول آزمایش‌ها، شرکت‌کنندگان چهره خود یا شخص دیگری را روی صفحه مشاهده میکردند و میتوانستند با هم تعامل داشته باشند و حرکات سر و صورت را کنترل کنند. از آنها خواسته شد تا حدود ۲۰ ثانیه در حالی که صورت خود را حرکت میدهند و حالات چهره خود را تغییر میدهند، صفحه نمایش را مشاهده کنند. حرکت صورت تنها توسط حرکات صورت و سر خودشان یا توسط میانگین حرکات شرکت‌کننده و آزمایشگر (کنترل کامل یا کنترل جزئی) انجام می‌شد. سپس از آنها پرسیده شد "چقدر احساس کردی این صورت شبیه شما است؟" و "چقدر احساس کنترل بر این صورت ارائه شده داشتید؟ نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان حس کنترل بیشتری بر "صورت دیگری" نسبت به "صورت خود" گزارش کردند. علاوه بر این، کنترل صورت فرد دیگری منجر به تنوع بیشتری در حرکات صورت نسبت به کنترل صورت خود فرد شد.

دکتر کاساهارا گفت: "ما به شرکت‌کنندگان چهره متفاوتی دادیم، اما آنها می‌توانستند حرکات این صورت را کنترل کنند، شبیه به فناوری دیپ فیک، که در آن هوش مصنوعی می‌تواند حرکت را به اشیاء دیگر منتقل کند. این فناوری هوش مصنوعی به ما این امکان را می‌دهد که از تجربه معمولی نگاه کردن به آینه فراتر برویم و رابطه بین حرکات صورت و هویت بصری را تفکیک و بررسی کنیم."

بر اساس تحقیقات قبلی، ممکن است انتظار (بصورت شهودی) داشته باشیم که وقتی صورت خود را می‌بینیم، احساس کنترل بیشتری بر آن داشته باشیم. در مقابل، اگر



صورت متعلق به فرد دیگری باشد، احتمالاً احساس کنترل کمتری خواهیم داشت چون این صورت متعلق به شخص دیگری است. با این حال، نتایج تحقیق کاملاً برعکس است. وقتی افراد صورت خود را می‌بینند، احساس عاملیت کمتری گزارش می‌کنند. اما وقتی صورت فرد دیگری را می‌بینند، احساس عاملیت بیشتری می‌کنند. این نتایج شگفت‌انگیز، تصورات قبلی ما در مورد نحوه دیدن خودمان در تصاویر را به چالش می‌کشد. دکتر کاساهارا تأکید کرد که پذیرش فناوری در جامعه نقش بسیار مهمی در پیشرفت‌های فناوری و تکامل انسان ایفا می‌کند و هدف من این است که به پذیرش این فناوری در جامعه کمک کنم و درک ما از "خود" را در رابطه با فناوری ادغام انسان و کامپیوتر به‌روز کنم.

چندین بینش کلیدی که فناوری تغییر شکل صورت ممکن است در خصوص خودشناسی ارائه دهد عبارتند از:

مرز شناسایی خود: این موضوع بررسی می‌کند که چقدر صورت یک فرد باید تغییر کند تا دیگر آن را به عنوان صورت خود شناسایی نکند. این می‌تواند به درک ویژگی‌هایی از صورت کمک کند که برای شناسایی خود ضروری هستند.

تأثیر آشنایی: افراد معمولاً چهره‌های آشنا را بهتر شناسایی می‌کنند. فناوری تغییر شکل می‌تواند کمک کند تا بررسی کنیم چگونه شناسایی صورت زمانی که آشنا نیست، تغییر می‌کند.

ادراک هویت: این فناوری می‌تواند نشان دهد که چطور افراد هنوز ممکن است با نسخه تغییر یافته صورت خود احساس ارتباط کنند، حتی اگر دیگر نسخه دقیقی از صورت واقعی‌شان نباشد.



پیامدهای روان‌شناختی: این پژوهش می‌تواند نشان دهد که افراد چگونه با تغییرات ظاهری خود کنار می‌آیند و تأثیر این تغییرات بر تصویر بدن، عزت نفس و هویت را بررسی کند، به ویژه در شرایطی مانند پیری یا بیماری.

بینش‌های عصبی‌شناختی: این فناوری می‌تواند مشخص کند کدام نواحی مغز در فرآیند شناسایی خود نقش دارند و چگونه به تغییرات در ویژگی‌های صورت واکنش نشان می‌دهند.

به طور کلی، فناوری تغییر شکل صورت ابزاری جذاب برای کاوش مرزهای خودشناسی فراهم می‌کند و به درک روان‌شناختی و عصبی‌شناختی از هویت کمک می‌کند.

منابع:

Okinawa Institute of Science and Technology (OIST) Graduate University. (2024, August 30). Morphing facial technology sheds light on the boundaries of self-recognition. *ScienceDaily*.

<https://www.sciencedaily.com/releases/2024/08/240830110924.htm>

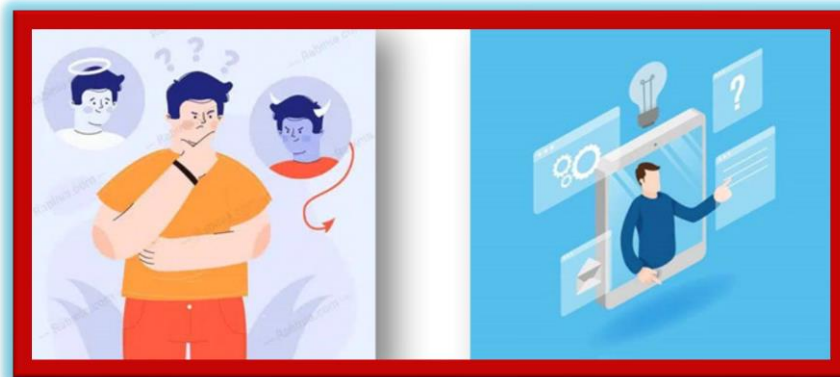
Kasahara, S., Kumasaki, N., & Shimizu, K. (2024). Investigating the impact of motion visual synchrony on self-face recognition using real-time morphing. *Scientific Reports*, 14(1), 1-9.

<https://doi.org/10.1038/s41598-024-63233-2>

Shunichi Kasahara, Nanako Kumasaki, Kye Shimizu. Investigating the impact of motion visual synchrony on self face recognition using real time morphing. *Scientific Reports*, 2024; 14 (1)

DOI: 10.1038/s41598-024-63233-2

نظریه اخلاقی جیمز رست



دکتر مهناز مغانلو

دکتری روان‌شناسی

جیمز رست (Rest James) روان‌شناس تربیتی، استاد دانشگاه مینه‌سوتا و جزو
اعضاء مؤسس مرکز مطالعات اخلاقی دانشگاه مذکور بوده و در سن ۵۸ سالگی دارفانی
را وداع گفته است. رست فعالیت‌های زیادی در زمینه مطالعه رشد اخلاقی انجام داده
که مهمترین فعالیت او تهیه آزمون DIT یا (Defining Issues test) آزمون تبیین
مسائل بوده است. این آزمون به روشی چند گزینه‌ای بوده و جایگزین مناسبی برای
مصاحبه‌های کلبرگ در مورد رشد اخلاقی افراد به حساب می‌آید. رست (۱۹۹۷) تستی
با عنوان آزمون موارد تعریفی (DIT) طراحی کرد که با آن پاسخگویان را با ۱۲
سؤال در شش موقعیت دوراهی مواجه می‌کرد. این مطالعه نشان داد که روابطی بین
سطح قضاوت اخلاقی و گرایش مذهبی افراد وجود دارد که چندان قوی نیست. در
این تحقیق افراد بنیادگرای مذهبی امتیاز DIT کمتری کسب کردند.
آزمون DIT روشی عینی‌تر و قابل اعتمادتری را در مورد سنجش تفاوت‌های اخلاقی در
رشد اخلاق‌بدست می‌دهد. سؤال مهمی که توسط آزمون DIT به آن جواب داده



می‌شود، این است که آیات‌فکر پس قراردادی وجود دارد یا نه. البته در بیش از ۴۰۰ تحقیق که در این زمینه انجام شده، نشان داده شده است که افراد از این نظر متفاوت هستند. آزمون فوق در بیشتر نفاط دنیا مورد استفاده قرار گرفته و اخیراً فرم کوتاه آن DIT2 تهیه گردیده است. محدودیت‌های مربوط به نظریه کولبرگ باعث شد تا یکی از دانشجویانش به نام جیمز رست در سال ۱۹۸۶ مدل چهار جزئی رفتار اخلاقی خود را ارائه کند. او دریافت که فرآیند روان‌شناختی طی شده برای رفتار اخلاقی مردم شامل چهار فرآیند اصلی روان‌شناسی است که باید به ترتیب واقع شوند. این چهار فرآیند شامل: حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزه اخلاقی و شخصیت اخلاقی می‌باشند.

رست مدل چهار مؤلفه‌ای از اخلاق را ارائه می‌دهد که چهار علت را برای اخلاق بر می‌شمارد به اعتقاد رست و همکاران این چهار مؤلفه روی رفتار اثر می‌گذارند:

۱. حساسیت رفتاری که بُعد شناختی الگوی رست است «آگاهی از تأثیر و تأثر اخلاقی»
۲. قضاوت اخلاقی که بعد عاطفی نظریه رست در مورد اخلاق را می‌رساند «اینکه از انجام برخی رفتارها توسط خود یا دیگران خوشحال یا ناراحت شود و آن‌ها را بد یا خوب بداند»
۳. انگیزه اخلاقی که بعد انگیزشی نظریه رست است «یعنی فرد به انگیزه رفتار خوب و دیگران توجه می‌کند»



۴. شخصیت اخلاقی که نتیجه رفتاری را نشان می‌دهد «یعنی اینکه در عمل هم رفتار اخلاقی باید مشاهده شود»

حال به طور مختصر به توضیح این چهار مؤلفه می‌پردازیم:

۱- حساسیت اخلاقی

اینکه فرد اصلاً حساسیت نسبت به رفتار خود داشته باشد و این آگاهی که رفتار و عمل او بر دیگران چه تأثیری می‌گذارد را در نظر داشته باشد. این حالت نشان دهنده آن است که فرد موقعیت را تفسیر میکند. برای مثال فردی که حساسیت اخلاقی دارد در موقعیتی مثلاً یک بازی ممکن است که با خود فکر کند، آیا به طور مستقیم یا غیرمستقیم آسایش دیگران را در بازی بر هم زده است یا نه، یا می‌خواهد بر هم بزند یا نه. بیشتر کسی که حساسیت اخلاقی دارد توانایی در مهارت نقش‌گیری را دارا می‌باشد و دیگر از حالت خود محوری خارج شده است. فردی که به حساسیت اخلاق رسیده است سعی می‌کند که اشتباه خود را جبران نماید و دو باره دیگر چنان تصمیمی که به ضرر دیگران بوده است، نگیرد.

۲- قضاوت اخلاقی

به اعتقاد رست یکی از مؤلفه‌های دیگر رشد اخلاقی داشتن قضاوت اخلاقی است. یعنی تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام اعمال اخلاقی درست و یا غلط هستند. در چنین حالتی فرد برای خود ایده اخلاقی دارد. به طور مثال فردی که به مؤلفه قضاوت اخلاقی رسیده است، می‌تواند نیازها و انتظارات



خود و دیگران را با هم جمع کند و درست و غلط را تشخیص دهد، مفاهیم همکاری در این جا خیلی اثر دارند.

۳- انگیزه اخلاقی

این مؤلفه نشان می‌دهد که فرد به ارزش‌های اخلاقی اولویت می‌دهد و برای او مهم نیست که دیگران چه می‌گویند. این مؤلفه اشاره دارد به اینکه فرد به انگیزه افراد در انجام امور توجه دارد و نه به خود کارها، چون ممکن است فرد کاری را انجام دهد که نیتش آن نباشد و یا بر عکس نیت انجام کاری را دارد ولی عمل او متفاوت از آن است. به هر حال اولویت دادن به ارزشهای رقابت‌کننده و انتخاب یکی از آنها اهمیت دارد.

۴- شخصیت اخلاقی

مؤلفه دیگر اخلاق و رشد اخلاقی توانایی به اجرا در آوردن تصمیم فرد است اینکه فرد با پافشاری و غلبه بر موانع و عوامل مزاحم بتواند تصمیم خود را به اجرا در آورد. این کار مستلزم داشتن مهارت‌های اجرایی است و همین طور ego قوی داشتن. آمادگی فرد برای انجام رفتار اخلاقی یک عامل برای داشتن اخلاق است. مسلماً کسی که حساسیت دارد ولی توانایی اجرای آن را ندارد، ناتوان از اظهار رفتار اخلاقی است. به اعتقاد رست برای بروز رفتار اخلاقی این چهار مؤلفه بایستی وجود داشته باشد.

رست از اخلاق در دو سطح یاد می‌کند که یکی سطح ماکرو و دیگری سطح میکرو است. در سطح ماکرو مورالیتی اخلاق، قدرت دهنده شبکه روابط در سطح جامعه است و اشاره به ساختار رسمی جامعه «قوانین، مقررات و مؤسسات» که همکاری اجتماعی را ممکن می‌کنند، دارد. در این سطح اخلاق شامل مواردی نظیر آزادی گفتار، مجلس، مذهب، عدم تبعیض نژادی بین شهروندان، برابری فرصت‌های آموزشی می‌شود. در



سطح میکرو مورالیتی اخلاق خاص سطح فردی است و مرتبط با توسعه روابط با افراد خاص است. در این سطح، فرد خودش در زندگی روزمره تلاش میکند تا با افراد خاصی ارتباط برقرار کند. اخلاق در سطح میکرو مورالیتی اشاره به مؤدب بودن، قابل اعتماد بودن و نجیب بودن و همدردی داشتن، دارد. تعامل و تنش بین این دو سطح، حوزه‌های تازه‌ای از تحقیق را در فرآیند رشد اخلاقی گشوده است.

با عنایت به نظرات رست و همچنین وجود شرایس فعلی در اوضاع کشورهای مختلف دنیا ضروری به نظر می‌رسد که به مسئله اخلاق و رشد اخلاقی توجه ویژه‌ای مبذول شده و برنامه‌هایی برای این منظور تدارک دیده شود. البته اهمیت این مسئله سالهاست که مورد توجه محققان این رشته قرار گرفته و تدابیری در این زمینه اندیشیده‌اند که هر کدام دارای مزایا و معایبی هستند. به هر حال در این جهت گامهای مؤثری برداشته شده است. اگر بخواهیم به آنچه وجود برنامه‌های اخلاقی را ضروری می‌نماید، توجه نمائیم، می‌توانیم به سه عامل کلی اشاره کنیم:

۱. وجود جرم و جنایت و فسادهای اخلاقی که در جوامع مختلف مشاهده می‌شود. آمار تکان‌دهنده‌ای که هر روز از رسانه‌های مختلف در این باره می‌شنویم، ضرورت وجود برنامه‌های آموزشی را یادآور می‌شود.

۲. حضور تکنولوژی خصوصاً در جوامع جهان سوم که خود تولید کننده این تکنولوژی نبوده و از نحوه بهره‌گیری از آن آگاهی ندارند و یا به دلائلی این تکنولوژی همخوان با زندگی آنها نیست و برای آنها معضلاتی را به بار آورده است. به طور مثال وجود ماهواره، اینترنت و دیگر رسانه‌های پیشرفته که با رشد فرهنگی و اقتصادی کشورهای



جهان سوم هماهنگ نیست، خودعامل بسیاری از مشکلات اخلاقی در این کشورها گردیده است.

۳. وجود اقلیت‌ها، نژادها و ارزشهای مختلف در کشور، با عنایت به وجود تفاوتها در نگرشهای اقلیتها و نژادهای مختلف می‌توان شاهد ارزشهای متفاوت در جامعه بود که باعث تضادها و کشمکشهای اخلاقی می‌شوند و مسلماً انسجام اندیشه‌ها و رفتارهای مختلف در یک مملکت منجر به استحکام ایده‌ها و اندیشه‌های اخلاقی آن مملکت خواهد گردید. این گفتگو و بحث میان‌معلم و دانش‌آموزان را وسیله‌ای برای بالا بردن سطح تفکر اخلاقی می‌داند به باور وی این گفتگوها باید دارای این ویژگی‌ها باشند.

۱. به سوی تعارض اخلاقی و تحریک سطوح بالاتر افکار اخلاقی هدایت شوند «مؤلفه شناختی»

۲. باورها، استدالها و موضوع نظری خود دانش‌آموزان را تحلیل کنند «مؤلفه شناختی»

۳. به سوی پذیرش اخلاقی و همدلی اخلاقی هدایت شود «مؤلفه عاطفی»

۴. به سوی درک هنجارهای مشترک و مفهوم جامعه اخلاقی هدایت شود «مؤلفه انگیزشی و عاطفی»

۵. به سوی گزینش اخلاقی و عمل اخلاقی هدایت شوند «مؤلفه رفتاری و انگیزشی»
حال با عنایت به مشکلات فوق این موضوع به ذهن می‌آید که آیا می‌توان برنامه‌های آموزشی را تدارک دید که جامعه را به سمت عمل اخلاقی هدایت کند. موضوع آموزش



اخلاق و تفکر اخلاقی یکی از بحث‌هایی بوده که علاقه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده است.

رست اشاره می‌کند که آموزش برنامه‌های اخلاقی می‌تواند پیش‌آگهی دهنده خوبی از عمل اخلاقی در آینده باشد. مک‌نیل نیز در راستای نظر رست ادعا می‌کند که دانش آموزانی که تشویق می‌شوند تا انتقادی فکر کنند و دیدگاه‌های دیگران را در نظر بگیرند و همچنین در عمل تجربه‌های بیشتری از این قبیل داشته باشند، رشد اخلاقی بهتری خواهند داشت.

به بیانی دیگر، محدودیت‌های مربوط به نظریه کولبرگ باعث شد تا یکی از دانشجویانش به نام جیمز رست در سال ۱۹۸۶ مدل چهار جزیی رفتار اخلاقی خود را ارائه کند. او دریافت که فرآیند روان‌شناختی طی شده برای رفتار اخلاقی مردم شامل چهار فرآیند اصلی روان‌شناسی است که باید به ترتیب واقع شوند.

اول - برای رفتار اخلاقی ابتدا باید گونه‌ای تفسیر از وضعیت انجام شود. این جزء که بعداً به حساسیت اخلاقی معروف شد، شامل آگاهی از اینکه کدام اعمال در آن موقعیت محتمل بوده، چه افرادی درگیر آن قضیه می‌شوند و چگونه افراد درگیر از پیامدهای هر عمل تاثیر می‌پذیرند، می‌باشد.

دوم - شخص باید درباره اینکه کدام عمل از نظر اخلاقی درست یا نادرست است، قادر به قضاوت کردن و انتخاب یکی از آنها در آن موقعیت باشد. این جزء معروف به استدلال اخلاقی است.



سوم - شخص باید برای ارزشهای اخلاقی مورد پذیرش خود اولویت قایل شود. این جزء را انگیزه اخلاقی نامیده اند، زیرا برای نیل به اهداف، این ارزشها هستند که باعث ایجاد انگیزه در افراد و راهنمای رفتار آنها می شوند.

چهارم - شخصیت اخلاقی باعث می شود تا فرد با استفاده از شجاعت خود، حتی در شرایط نامساعد و زیر فشار با به کار گرفتن مهارتهای لازم اقداماتی را انجام دهد. جیمز رست تاکید کرده است که ترتیب اجزای این مدل، بیشتر توالی منطقی دارد، تا اینکه توالی آن زمانی باشد. هر چند منطقی به نظر می رسد که حساسیت اخلاقی قبل از انگیزه اخلاقی باشد، اما باید دانست که اولویتهای ارزشی فرد می تواند در تفسیر موقعیت موثر باشد، یعنی به این ترتیب انگیزه اخلاقی هم می تواند پیش از حساسیت اخلاقی به کار آید. اما فرض اصلی جیمز رست آن است که فرآیندهای مختلف اخلاقی که با نام اجزای مدل، از آنها یاد شد از یکدیگر جدا ولی با هم در تعامل بوده و بر یکدیگر تاثیر گذار هستند. مثال شخص ممکن است قضاوت اخلاقی مناسبی داشته باشد اما به جنبه‌های مختلف این موقعیت حساسیت نداشته باشد. جیمز رست اخلاق را به سه عنوانشناختی، عاطفی و رفتاری مجزا از هم تقسیم نکرده، بلکه او ادعا میکند که این سه جزء با هم تاثیر متقابل دارند. رست تاکید می کند که این چهار جزء نماینده فرآیندهای درگیر در ایجاد عمل اخلاقی است و این اجزاء به منزله خصوصیات شخصیتی افراد نیست.

برای مثال فردی که در یک موقعیت خاص شدیداً حساسیت دارد، شاید در موقعیتی متفاوت حساسیت کمتری داشته باشد. بنابراین مدل یاد شده از این جهت که باعث ایجاد تفاسیر مختلف از موقعیت، قضاوتهای اخلاقی مختلف، برجسته سازی برخی از



ارزشها نسبت به دیگران و شرایط تشویق یا بازدارندگی گوناگون برای انجام عمل اخلاقی دارد، وابسته به موقعیت است. یکی از اهداف جیمز رست و همکارانش در دانشگاه مینه سوتا تهیه مدلی کامل کاربردی برای استفاده در زندگی روزمره بوده است.

این مدل خصوصا در زمینه تصمیم‌گیری اخلاق حرفه‌ای طراحی شده است، بدین جهت که در موقعیت‌های مختلف اخلاق حرفه‌ای نه تنها بررسی نتایج آسانتر می‌باشد، بلکه عموماً منافع شخصی کمتر مطرح شده و تعارض در منافع به اندازه سایر وقایع زندگی نیست. باید گفت نظریه کولبرگ همچنان از اهمیت برخوردار است اما مدل چهار جزیی جیمز رست موفق شده تا با دخالت دادن سایر فرآیندهای رفتار اخلاقی، یا به حساب آوردن تاثیر آنها بر یکدیگر، دیدگاه روانشناسی اخلاقی را توسعه دهد.

اُسر با توجه به نظریه رست اشاره می‌کند که اگر آموزش‌های ارائه شده به افراد دارای ویژگی‌هایی که او ذکر می‌کند داشته باشند، باعث رشد اخلاقی آنها می‌شوند. تحقیقات بسیاری در زمینه آموزش اخلاق به کودکان و نوجوانان انجام شده که مشخص شده بسیاری از آنها غیر مؤثر بوده‌اند. با عنایت به اینکه در سطح کشور ما ایران هنوز هم بسیاری از این روش‌ها به کار برده می‌شوند و نگرش مثبت راجع به آنها وجود دارد، لازم به نظر می‌رسد که به تحقیقات انجام شده در این زمینه توجه شود. در آغاز سعی می‌کنم به طور گذرا نگاهی به تاثیر این روش‌ها در توسعه اخلاق انداخته و سپس برخی راهکارهای مناسب را ارائه نمایم.



یکی از راه‌هایی که معمولاً برای آموزش اخلاق در جوامع مختلف استفاده شده، شیوه سخنرانی و نصیحت کردن توسط معلمان و مربیان بوده است که عدم کارایی این شیوه مشخص گردیده است. تحقیقات بسیاری انجام شده که نشان داده بین ارزش‌ها و رفتار انسان‌ها ارتباط مستقیمی وجود ندارد. بنابراین، این فرض غلط است که آموزش صرف ارزش‌های اخلاقی، کاهش در رفتارهای غیرمسئولانه را سبب می‌شود.

در تحقیق دیگری نیز ماتیوز وریلی به عدم کارایی این شیوه اشاره می‌کنند. در آن‌ها نیز این اعتقاد وجود دارد که تنها سخنرانی و نصیحت موثر نبوده و باید فرد در عمل نیز با آن درگیر شود وین ریب و توریل اظهار می‌کنند که فرآیند رشد اخلاقی و تصمیم‌گیری اخلاقی ساده و آسان نیست که بتوان آن را با آموزش به شیوه سخنرانی به نوجوانان انتقال داد.

البته آموزش‌های دیگر نیز مطرح شده که به اعتقاد برخی می‌تواند جلو انحرافات اخلاقی را بگیرد. به طور مثال برخی از برنامه‌ها تأکید دارند که با آموزش «نه گفتن» به مسائل انحراف جنسی و اعتیاد می‌توان کاری کرد که نوجوانان به سمت این مسائل نروند هر چند که کارایی این شیوه نیز هنوز مشخص نشده است. برای بسیاری منطقی به نظر می‌رسد که پاداش دادن رفتار مثبت و یا تنبیه رفتار منفی می‌تواند شیوه خوبی برای آموزش اخلاق به کودکان و نوجوانان به حساب آید. ولی در ادبیات، تحقیقات بسیاری هستند که عدم کارایی این شیوه را نیز روشن کرده‌اند. در تحقیقی مشخص شده که بچه‌های والدینی که از تشویق برای رفتارهای مثبت فرزندان‌شان استفاده

می‌کرده‌اند، نسبت به والدینی که از این شیوه استفاده نمی‌کردند، کمتر رفتار جامعه‌پسند از خود نشان می‌دادند و اینکه کودکان در موقعیت‌های اجتماعی رفتار اجتماع‌پسند را



نشان نمی‌دادند به این علت بود که آنها درچنین موقعیت‌هایی چندان احتمال تشویق را نمی‌دادند. پاداش‌ها نوجوانان را بر می‌انگیزانند تا بدنبال پاداش بروند، نه اینکه رفتار مودبانه و یا مناسب را بیاموزند. همین طور تنبیه نیز در کوتاه مدت ممکن است اثر بدهد، ولی تنها به آنها می‌آموزد که نباید چه کارهایی را انجام بدهند، نه اینکه چه کارهایی مناسب هستند. پاداش دادن نیز سبب می‌شود که بچه‌ها عمل را به خاطر خود عمل انجام ندهند، بلکه برای رسیدن به پاداش آن را انجام دهند. بچه‌هایی که به طور مداوم به خاطر رفتار اجتماعی و اخلاقی شان مورد تشویق قرار می‌گیرند، تنها زمانی که احساس می‌کنند برای این رفتارها فشار بیرونی وجود دارد، آن را انجام می‌دهند.

این مسئله به خاطر آن است که انگیزش بیرونی، انگیزه درونی را از بین می‌برد. وقتی رفتار اخلاقی از بیرون پاداش داده می‌شود، فرد این طور فکر می‌کند که آن رفتار را به خاطر پاداش بیرونی انجام داده و نه به خاطر سودمندی و یا مفید بودن آن. مرجع آن است که کودکان فکرکنند آن رفتار اخلاقی برای خودشان مناسب است.

هدف آموزش‌های اخلاقی بایستی این باشد که رفتار خود آغازگری را در کودکان تقویت نماید و ایجاد احساس مثبت بر دیگران برای آنها مشوق خوبی به حساب آید. ویژگی آموزش اخلاقی مؤثر آن است که تلاش کند که به کودک بیاموزد که چه رفتارهایی نتیجه بخش هستند و قابل تشویق و نه اینکه پاداش بیرونی را برای آنها فراهم کند.

ماتیوز و ریلی بعد از تحقیق در ادبیات آموزشی می‌گویند که آموزش مؤثر اخلاقی در جامعه نهفته است. آنها اظهار می‌دارند که اگر ما اخلاقیات را در مدارس به بچه‌ها آموزش دهیم، بدون اینکه به زمینه اجتماع توجه داشته باشیم و جامعه هم در تغذیه،



حمایت و تبیین این مسائل اخلاقی که ما در مدرسه آموزش می‌دهیم کمکی به ما نکند، آموزش ما قطعاً بی نتیجه خواهد بود. بدون وجود زمینه اخلاقی در جامعه‌ای که فرد آموزش می‌بیند، اخلاقیات آموزش داده شده به صورت انتزاعیات باقی مانده و فرد به این ترتیب آنها را تجربه نخواهد کرد و نهایتاً نگهداری آنها کار بیهوده‌ای خواهد بود. اگر محیط برای رشد شخصیت فرد فراهم نباشد، آموزش شخصیت کاری عبث خواهد بود.

برای اینکه برنامه‌های اخلاقی آموزشی داده شده موفقیت‌آمیز باشند، بایستی بافت و زمینه متناسب بوجود آمده و تقویت شود. (مثلاً خانواده، مدارس و اجتماع) که این مسئله هم به نوبه خود رفتارهای مثبت را تقویت خواهد کرد. به طور مثال لمینگ از یک برنامه آموزشی هماهنگ که برای جلوگیری از انحراف جنسی دختران ۱۰ تا ۱۹ سال تهیه شده بود، یاد می‌کند. در آن برنامه علاوه بر تهیه مطالب آموزشی مناسب والدین، روحانیون، رهبران کلیسا، روزنامه‌های محلی و ایستگاه‌های رادیویی نیز در این امر مشارکت داده شده بودند. این برنامه همچنین از فعالیت‌های خاصی برای برانگیزاندن خودآگاهی عمومی جامعه استفاده کرده بود. نتیجه این برنامه آن بود که انحرافات در دو سال بعد از آموزش به میزان قابل توجهی کاهش یافته بودند.

ما براساس این تحقیق می‌توانیم نتیجه بگیریم که با مشارکت خانواده‌ها، مدارس و اجتماع خواهیم توانست به میزان قابل توجهی از انحراف جنسی و اعتیاد نوجوانان بکاهیم. در خصوص برنامه‌های آموزشی برای جلوگیری از مصرف دارو و انحراف جنسی نیز مشاهده شده که رویکرد سخنرانی مؤثر نبوده و در عوض رویکرد مشاوره همسالان و آموزش گروهی و همین طور رویکرد نفوذ اجتماعی مؤثر بوده است.



تحقیقات خاطر نشان کرده‌اند که استراتژی «نفوذ اجتماعی» که تلاش می‌کند دانش آموزان را از عوامل اجتماعی که بر آنها فشار می‌آورد تا مواد مخدر مصرف کنند، آگاه کند و همچنین به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های خود را با اجرای نقش تقویت نمایند، تأثیر به سزایی بر جلوگیری از چنین رفتارهایی داشته است.

یک برنامه که از استراتژی نفوذ اجتماعی و همچنین مشارکت خانواده، رسانه‌های گروهی و سازمان‌های عمومی برای مبارزه با مصرف مواد مخدر بهره می‌برد، باعث شد که نوجوانان کاهش در مصرف آن را نشان دهند. البته می‌توان از همین شیوه برای آموزش انحرافات جنسی نیز استفاده کرد. استراتژی‌های یادگیری مشارکتی هم نشان داده است که می‌تواند به کودکان کمک کند تا آنها نقش‌گیری «خود را به جای دیگران گذاشتن» را تمرین کنند و به این ترتیب در این کار ماهر شوند. و بر عکس در این زمینه مشاهده شده که والدینی که جو خانه را رقابتی می‌کنند و بچه‌های آنها گرایش به رقابت تا مشارکت دارند، خیلی کمتر احساس همدردی نسبت به دیگران دارند.

یادگیری مشارکتی در مدارس سبب می‌شود آنها در گروه‌های کوچک درس بخوانند و به این ترتیب مسئولیت یادگیری بین آنها تقسیم شود. این رویکرد موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود که بچه‌ها همدیگر را بپذیرند و علاقه متقابل و نگرش‌های مثبت اجتماعی در آنها بوجود آید و رفتارهای مثبت نسبت به یکدیگر نشان دهند.

رفتارهای والدین در پرورش اخلاقی بچه‌ها خیلی مؤثر به نظر می‌رسد. والدینی که خود الگوی رفتارهای اخلاقی هستند، می‌توانند عمل کردن به همین شیوه را در فرزندان خود پرورش دهند. مطالعات بسیاری هستند که از این موضوع حمایت



می‌کنند که والدینی که خود تعاملات عاطفی با دیگران دارند و رفتارهای اخلاقی را از خود نشان می‌دهند، می‌توانند چنین ویژگی‌هایی را در فرزندشان بوجود آورند. نتایج دیگر پیشنهاد می‌کند که ویژگی‌های ساختاری خانواده نسبت به کیفیت روابط خانواده در رشد استدلال اخلاقی بچه‌ها، اهمیت کمتری دارد. والدینی که تجارب دست اول را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند (مثلاً خود همیشه مواظب و مراقب بچه‌ها هستند و یا از حیوان دست‌آموز خانگی مراقبت می‌کنند)، سبب می‌شوند که بچه‌ها را یاری‌رسان و مراقب کننده بار بیاورند.

با توجه به رویکردهای مؤثری که ذکر شد و همین طور در راستای مؤلفه‌های رست می‌توان پیشنهادهای زیر را برای آموزش اخلاق در مدارس، خانواده‌ها و اجتماع طرح نمود:

تهیه فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان تا مسئولیت یکدیگر را بپذیرند، مثل گروه‌بندی بچه‌ها به‌طوری که در گروه از سنین مختلف وجود داشته باشند. در این گروه‌ها بچه‌های بزرگتر می‌توانند نقش مدل را بازی کنند و صبوری را آموزش دهند و کوچکترها به این ترتیب مراقبت و روابط سودمند را بیاموزند. ربط دادن آموزشهای اخلاقی به زندگی دانش‌آموزان، که به این ترتیب آنها نیز در بحثهای کلاسی در این زمینه مشارکت خواهند کرد. فعالیتهای مشارکتی افراد در جامعه افزایش داده شود تا حس مسئولیت‌پذیری و تعامل به جامعه به عنوان یک کل تقویت شود.

دانش‌آموزان در مدارس تشویق به بحثهایی در خصوص زندگی مدرسه‌ای و نحوه ارتباط با دیگران شوند. به بچه‌ها کمک شود تا آنها در کلاس از مدل ایفای نقش بهره برده و نحوه تعاملات را تمرین نمایند.



زمینه مشارکت بچه‌ها برای گرداندن مدرسه فراهم شود، به این ترتیب مهارت‌های اجتماعی و تعاملی بچه‌ها و همچنین تفکر انتقادی آنها رشد خواهد کرد.

در زمان ارائه درس اخلاق بچه‌ها را با مسائل بگرنج روبرو کنند تا نحوه رویارویی با آنها را یاد بگیرند. برای آموزش اخلاق و ارزشها به بچه‌ها، از مسائل روز و زندگی ایشان استفاده شود.

از فعالیتهای خواندنی و نوشتنی برای تشویق تفکر اخلاقی بهره‌گیری شود. محیط آموزشی بایستی به شیوه دموکراتیک اداره شود تا محیط امنی برای یادگیری، مشارکت و همکاری فراهم آید. از پروژه‌های خلاقانه، تحلیلی، اجرای نقش و بحث به عنوان پایه‌هایی برای ایجاد تفکر انتقادی در مورد ارزشها، نگرشها، صفات و موضوعات اخلاقی استفاده شود. گروه‌های حمایت خانواده برای توسعه توافق اخلاقی بین مدرسه و والدین تأسیس شود.

کلیات نظریه جیمز رست به زبانی دیگر

یکی دیگر از همکاران کلبرگ به نام جیمز رست الگوی پیچیده تری در باب رفتار اخلاقی ارائه کرد. او از یک الگوی کامل تر برای رشد اخلاقی، دفاع کرد و عدالت مد نظر کلبرگ را در یک الگوی اخلاقی منسجم چهار مولفه‌ای قرار داده است. او کوشید قلمرو اخلاقی را از طریق توجه به مولفه‌های بیشتر گسترش بدهد، و بر این باور است که استدلال اخلاقی مورد نظر کلبرگ و پیازه فقط یکی از آن‌ها می باشد. به اعتقاد او تامل اخلاقی از وقتی شروع می شود که عامل تلاش می کند موقعیت را تفسیر کند. مولفه اول فرایندی است که جریان شناختی در مورد فهم، ارزیابی و تفسیر را شامل می شود.



مؤلفه دوم زمانی شروع می‌شود که شخص باید درباره اینکه کدام عمل اخلاقی درست یا نادرست است، قادر به قضاوت و انتخاب باشد. این مؤلفه معروف به استدلال اخلاقی است.

مؤلفه سوم آن است که فرد باید برای ارزش‌های اخلاقی مورد پذیرش خود اولویت قایل شود. این مؤلفه را انگیزه اخلاقی نامیده است چرا که برای نیل به اهداف این ارزش‌ها هستند که که موجب انگیزه در افراد و هدایت رفتار او می‌شود؛ و مؤلفه چهارم، نیز شخصیت اخلاقی را تشکیل می‌دهد.

نکته دیگری که رست مطرح می‌کند این است که به جای اینکه همانند کلبه‌گر از مراحل داوری اخلاقی بگوییم، بهتر است از طرحواره‌های اخلاقی (الگوهای سازمان یافته اندیشه و عمل) سخن بگوییم. طرحواره‌ها جزئی‌تر و عینی‌تر از مراحل است. طرحواره اول به رغبت‌ها و علایق فرد مربوط می‌شود. در آن فرد آنچه که در یک موقعیت به دست آورده یا از دست داده است را بررسی می‌کند و توجه زیادی به همکاری اجتماعی ندارد.

با وجود اینکه جیمز رست از مؤلفه‌های چند گانه در رشد اخلاقی دفاع می‌کند، با این حال او بیشتر می‌کوشد جامعیت عناصر را در فضای مؤلفه‌ی شناختی تمام کند. درست پس از اینکه از مؤلفه‌های چند گانه برای عمل اخلاقی دفاع می‌کند؛ چنین نتیجه می‌گیرد که الگوی مؤلفه‌ای ادعا می‌کند شناخت‌های زیادی بر تامل اخلاقی موثرند و عمل اخلاقی نتیجه قاطع هیچ یک از آن فرایندهای شناختی نیست. رست، نیز همانگونه که از بیان وی در توصیف مؤلفه‌ها پیداست، و از نتیجه‌گیری اخیر او فهمیده می‌شود، او اذعان می‌کند که در حوزه شناخت از عمل اخلاقی، همه آنچه که



باید از پژوهش در زمینه رشد شناختی، به آن معطوف باشد، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است از این رو می‌توان نتیجه گرفت برای کسی همچون رست هم گستره شناخت‌های لازم برای عمل اخلاقی، بیشتر اهمیت داشته است، و مولفه دیگر رشد اخلاقی اهمیت کمتری دارد.





انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در نظر دارد از میان روان‌شناسان دارای عضویت هیأت علمی با حداقل مرتبه استادیاری در سراسر کشور نماینده فعال بپذیرد. بدینوسیله از تمامی افراد علاقمند دارای شرایط فوق دعوت می‌شود تصویر مدارک زیر را از طریق رایانامه به دفتر دبیرخانه انجمن ارسال بفرمایند.

۱- آخرین مدرک تحصیلی

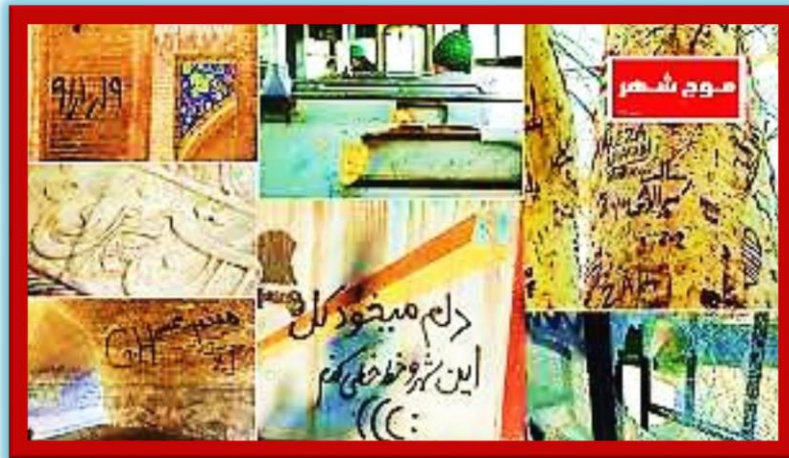
۲- حکم کارگزینی

۳- درخواست کتبی

۴- رزومه فردی

Info@iranianasp.ir

رفتار وندالیستی در نوجوانان



دکتر کامیاب تجاسب

عضو هیات مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی

یکی از پدیده‌های مبتلا به جوامع خصوصا در ایران پدیده وندالیسم است. وقتی فردی نمی‌تواند با ساختارهای موجود و یا به دلیل رفتارهای غیرعادلانه احساس ظلم و بی‌عدالتی می‌کند دست به تخریب اموال عمومی می‌زند مانند تماشاگری که به دلیل خطای داوری تیم محبوبش بازنده بازی می‌شود صندلی‌های استادیوم یا شیشه اتوبوس را می‌شکند. به این گروه وندال و به این رفتار رفتار وندالیستی گویند. از عوامل موثر در گرایش به این رفتار تیپ شخصیتی افراد نیز می‌باشد. بر این اساس تحقیقی با عنوان تیپ شخصیتی A و B و گرایش به رفتارهای وندالیستی در بین ۲۱۰ نفر از نوجوانان پسر شهر آبگرم از استان قزوین انجام دادیم که نتایج پژوهش نشان داد، افراد با تیپ شخصیتی A گرایش بیشتری به رفتارهای وندالیستی دارند و هرچقدر تیپ شخصیتی به B نزدیکتر تمایل به این نوع رفتارها کمتر است. این پژوهش با پرسشنامه استاندارد برای سنجش تیپ شخصیتی و محقق ساخته برای سنجش گرایش به رفتارهای وندالیستی صورت گرفت که الفای هر دو بیش از هشت دهم بود.

منبع: پرسشنامه استاندارد تیپ شخصیتی



چه اتفاقی برای «اجتماعی» در روانی - اجتماعی می افتد؟



ترجمه ستاره جعفری

کارشناس ارشد روان‌شناسی اجتماعی

مقاله حاضر به تحلیل تأثیر فرهنگ درمانی و روان‌شناسی اجتماعی در آموزش معلمان در نروژ پرداخته است. در دو دهه گذشته، توجه به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی آموزش معلمان در این کشور افزایش یافته و این تغییرات تأثیرات زیادی بر شیوه‌های آموزشی و روابط اجتماعی در کلاس‌های درس داشته است. نویسندگان این مقاله با استفاده از مفهوم عملکرد اپیستمیک متمرکز بر اشیاء^۷ که توسط کنور ستینا (۲۰۰۱) معرفی شده، به بررسی چگونگی شیوع دیدگاه‌های روان‌شناسی اجتماعی و درمانی در آموزش معلمان پرداخته‌اند و پیامدهای آن را تحلیل کرده‌اند. نویسندگان مقاله سه بعد کلیدی روان‌شناختی و اجتماعی را شناسایی کرده‌اند که به وضوح بر آموزش معلمان تأثیر می‌گذارند:

^۷. Object-Centered Epistemic Practice



سطح فردی: در این سطح، معلمان به‌عنوان مراقبان اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که نقش اصلی آن‌ها در ترویج سلامت روانی و رفاه اجتماعی دانش‌آموزان است. این دیدگاه تأکید دارد بر اهمیت سلامت روان دانش‌آموزان و ایجاد فضایی که در آن رفاه روانی به‌عنوان اولویت تلقی شود.

سطح اجتماعی-محیطی: در این بعد، فضای اجتماعی کلاس و روابط بین معلمان و دانش‌آموزان تحت تأثیر مفاهیم درمانی قرار دارد. شیوه‌های آموزشی به‌طور فزاینده‌ای به‌سوی فردی‌سازی و توجه به نیازهای خاص دانش‌آموزان تمایل پیدا کرده‌اند. در این فضا، معلمان نه تنها به تدریس مطالب درسی، بلکه به مدیریت عواطف و مشکلات اجتماعی و روانی دانش‌آموزان نیز پرداخته‌اند.

سطح اجتماعی کلان: در این سطح، تغییرات اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان عاملی مهم در ایجاد آسیب‌پذیری دانش‌آموزان شناخته می‌شوند. محیط اجتماعی ممکن است باعث افزایش آسیب‌پذیری و نیاز به حمایت‌های فردی بیشتر شود. در اینجا نیز تأکید بر اهمیت آموزش‌های انطباقی و حمایت‌های روانی از دانش‌آموزان وجود دارد.

پیامدهای روان‌شناختی در آموزش معلمان

تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهند که فرهنگ درمانی و رویکردهای روان‌شناختی به‌طور عمده بر رفاه روانی فردی تأکید دارند و بیشتر بر مدیریت احساسات و نگرانی‌های روانی دانش‌آموزان تمرکز دارند. این رویکردها باعث می‌شود که نقش معلمان بیشتر به‌عنوان مراقبان اجتماعی و درمانگران اولیه در نظر گرفته شود. این تغییرات، معلمان را از نقش سنتی خود به‌عنوان انتقال‌دهندگان دانش اجتماعی و



فرهنگی، به‌سوی شناسایی و مدیریت مشکلات روان‌شناختی دانش‌آموزان سوق می‌دهد.

نویسندگان مقاله نگرانی خود را از پیامدهای بالقوه این تغییرات ابراز کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که در صورت عدم آگاهی کافی از جنبه‌های منفی این رویکردها، ممکن است شیوه‌های روان‌شناسی اجتماعی منجر به ایجاد یک ارتباط غیرشفاف در کلاس‌های درس شوند که در آن تشخیص روان‌شناختی و حمایت‌های فردی دانش‌آموزان بر شفافیت و اشتراک‌گذاری دانش اجتماعی و آموزشی اولویت پیدا کند. به‌ویژه این نگرانی وجود دارد که در این شیوه‌ها، تشخیص و مراقبت‌های روان‌شناختی بر فرآیندهای اجتماعی و آموزش‌های جمعی دانش‌آموزان غلبه کند.

چالش‌ها و راهکارها

نویسندگان مقاله همچنین بر لزوم آگاهی‌بخشی بیشتر به معلمان و دانشجویان معلمی تأکید دارند. آن‌ها معتقدند که لازم است معلمان نسبت به پیامدهای استفاده از رویکردهای درمانی و روان‌شناختی آگاهی بیشتری پیدا کنند و این شیوه‌ها باید با دقت بیشتری در فرآیندهای آموزشی گنجانده شوند. استفاده بی‌ملاحظه از این رویکردها می‌تواند منجر به تضعیف روابط معلم و دانش‌آموز و کاهش شفافیت در ارتباطات شود. همچنین، این نوع آموزش ممکن است به از دست دادن قدرت معلم در به اشتراک‌گذاری دانش اجتماعی و آموزشی بینجامد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر نشان می‌دهد که فرهنگ درمانی و روان‌شناسی اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای بر آموزش معلمان تأثیر گذاشته‌اند و این تأثیرات می‌تواند هم فرصت‌ها و هم



چالش‌هایی برای فرآیندهای آموزشی ایجاد کند. استفاده از این رویکردها می‌تواند به بهبود رفاه روانی دانش‌آموزان کمک کند، اما برای جلوگیری از پیامدهای منفی آن‌ها، ضروری است که معلمان و مسئولین آموزشی توجه بیشتری به استفاده آگاهانه از این روش‌ها داشته باشند. به‌ویژه باید توجه کرد که این رویکردها نباید مانع از ایجاد یک فضای شفاف و باز برای اشتراک‌گذاری دانش اجتماعی و تحصیلی شوند. در نهایت، این مقاله پیشنهاد می‌کند که تحقیقات بیشتری در زمینه پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی در آموزش معلمان انجام شود تا بتوان به‌طور دقیق‌تری اثرات این تغییرات فرهنگی و اجتماعی را در آموزش و پرورش ارزیابی کرد.

منبع:

Mathias, G., & Førland Standal, Ø. (2025). What happens to the “social” in psychosocial? Exploring epistemic practices and therapeutic culture in teacher education. *Teaching and Teacher Education*, 153, 104818. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2024.104818>



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY



روان‌شناسی توده‌ای و از خود بیگانگی



زهرا نورآیین

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

روان‌شناسی توده‌ای به مطالعه چگونگی رفتار افراد هنگامی که در گروه‌های بزرگ قرار دارند می‌پردازد که اغلب به رفتارهایی منجر می‌شود که در حالت انزوا فرد به آن‌ها دست نمی‌زند. ذهن جمعی، همان‌طور که توسط پیشگامانی مانند زیگموند فروید و گوستاو لوبون بررسی شده است، نشان می‌دهد که افراد هنگام غوطه‌وری در جمع ممکن است هویت شخصی خود را از دست داده و تحت تاثیر احساسات جمعی و نیروهای ناخودآگاه قرار گیرند. در این محیط، منطق و عقلانیت اغلب تحت الشعاع غرایز اولیه و دینامیک‌های گروهی قرار می‌گیرند که عمل جمعی را هدایت می‌کنند.



یکی از اصول اصلی روانشناسی توده ای، مفهوم "پیشنهاد" است. این مکانیسم به روشی اشاره دارد که افراد در یک گروه به طور ناخودآگاه تحت تاثیر جمع قرار می گیرند. افراد در یک جمع معمولاً به طور احساسی و بدون تفکر منطقی عمل می کنند. به عنوان مثال، در تجمعات سیاسی، اعتراضات یا حتی روندهای ویروسی، احساسات جمع می تواند به سرعت منتشر شود و افراد را به تصمیماتی سوق دهد که ممکن است به تنهایی آن ها را اتخاذ نمی کردند. این سرایت احساسی پدیده‌ای را ایجاد می کند که در آن گروه به طور مستقل از اراده فرد عمل می کند و گاهی رفتارهایی غیرمنطقی یا پیش بینی ناپذیر به دنبال دارد.

مفهوم دیگری که در روانشناسی توده ای بسیار مهم است، "ناشناسی" است. در یک جمع بزرگ، افراد اغلب احساس ناشناسی می کنند که منجر به کاهش مسئولیت شخصی می شود. این کمبود مسئولیت می تواند افراد را به سمت رفتارهایی سوق دهد که معمولاً خودشان به آن ها نمی پردازند، مانند اعمال خشونت آمیز یا خرابکاری در طول شورش ها یا تظاهرات. قدرت جمعی می تواند فرد را جرات دهد تا به کارهایی دست بزند که معمولاً با ارزش های شخصی خود هم خوانی ندارد.

نظریه لوبون در مورد جمع ها بیان می کند که در گروه های بزرگ، افراد بیشتر تحت تاثیر احساسات و اعمال جمع قرار می گیرند و معمولاً از فرایندهای تفکر منطقی خود دور می شوند. این امر به ویژه زمانی صادق است که جمع تحت تاثیر احساسات قوی مانند ترس، خشم یا هیجان قرار گیرد. تاثیر یک رهبر کاریزماتیک نیز می تواند نقش زیادی در شکل دهی به جهت گیری جمع داشته باشد. رهبران با جذب احساسات



گروه، می‌توانند انرژی جمعی را به سمت هدف مشترک هدایت کند و گاهی تاثیر زیادی بر افراد داخل گروه داشته باشند.

با وجود قدرت روانشناسی توده‌ای در شکل دهی به رفتار جمعی، نمی‌توان تاثیر آن بر فرد را نادیده گرفت. فرد در درون جمع با تنش بین هم‌خوانی با جمع و حفظ هویت شخصی خود مواجه است. فردی که از جمع جدا می‌شود، معمولاً در تضاد با فشار فراگیر برای هم‌راستا شدن قرار دارد. این تنش می‌تواند به درگیری درونی منجر شود، زیرا فرد باید بین میل به تعلق داشتن و حفظ هویت شخصی خود تعادل برقرار کند.

در نهایت، روانشناسی توده‌ای بینش‌های ارزشمندی در مورد رفتار افراد در گروه‌های بزرگ فراهم می‌کند، به ویژه در مورد نحوه تاثیر احساسات، پیشنهاد و ناشناسی بر رفتار جمعی. درک دینامیک‌های ذهن جمعی برای هدایت حرکت‌های اجتماعی و تعاملات گروهی روزمره ضروری است، زیرا تاثیر جمع می‌تواند به نتایج مثبت و منفی منجر شود. تعامل بین فرد و گروه در روانشناسی توده‌ای اهمیت حفظ آگاهی و خودمختاری شخصی در برابر فشارهای جمعی را برجسته می‌کند.

منابع:

- روان‌شناسی توده‌ها - گوستاو لوبون، ۲۰۰۲.
- روان‌شناسی توده‌ای و تحلیل ایگو - زیگموند فروید، ۲۰۰۲.
- مقدمه‌ای بر روان‌شناسی اجتماعی - ویلیام مک دوگال، ۱۹۰۸.
- روان‌شناسی نفوذ - ویلیام بی سیالدینی، ۲۰۰۶.
- جامعه سالم - اریک فروم، ۱۹۵۵.

کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در تبلیغات



ثریا انوری

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

تبلیغات محیطی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و موثرترین روش‌های تبلیغاتی، همچنان نقش مهمی در انتقال پیام‌های تبلیغاتی به جامعه دارد. با وجود ظهور رسانه‌های جدید، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های تبلیغاتی به تبلیغات محیطی اختصاص می‌یابد. چوی و لی (۲۰۲۴) تبلیغات محیطی را متون رسانه‌ای تعریف می‌کنند که به محیط عمومی خشی، پیامی جهت‌دار و سمت و سوی گفتمانی مشخص می‌دهند. آرمین و کاظمی (۱۴۰۰) نیز آن را به عنوان عناصر فیزیکی قابل اجرا در جامعه و در معرض دید مخاطبان تعریف می‌کنند. تبلیغات محیطی شامل طیف وسیعی از روش‌ها از جمله بنر، بیلبرد، تبلیغات در مترو و اتوبوس، تلویزیون‌های شهری، تبلیغات پل‌ها و پیاده‌روها، دیوارنویسی و تراکت می‌شود (حسینی، ۱۴۰۱). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد تبلیغات محیطی، استفاده از رنگ‌ها و تصاویر جذاب است که توجه



بیننده را به طور اجتناب ناپذیر جلب می‌کند (غلامی، ۱۴۰۱). در شهرهای بزرگ و پر از رقابت، تبلیغات خلاق و جذاب برای جذب مخاطب ضروری است و عدم خلاقیت منجر به اتلاف منابع می‌شود. تبلیغات به عنوان یک ابزار کلیدی بازاریابی، با بهره‌گیری از احساسات و افکار مخاطبان، بر رفتار مصرف‌کنندگان تاثیر می‌گذارد و نقش مهمی در موفقیت فروش دارد (براون و گرین، ۲۰۲۳).

روان‌شناسی اجتماعی و نقش آن در تبلیغات موثر

برای افزایش اثر بخشی تبلیغات، از رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی اجتماعی کمک گرفته می‌شود. محققان تلاش می‌کنند تا با استفاده از یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، روش‌های موثرتر تبلیغاتی را برای سازمان‌ها ارائه دهند (غلامی، ۱۴۰۱). عوامل متعددی بر انتخاب روش بازاریابی اثرگذار هستند، از جمله رفتار رقبا و خواست مشتریان، اما رفتار خریداران یکی از مهم‌ترین عوامل موثر است (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). رفتار خریدار به عنوان موضوع جدید در بازاریابی، ارتباط تنگاتنگ روانشناسی و بازاریابی را نشان می‌دهد (آرمین و کاظمی، ۱۴۰۰). نقش تبلیغات و پیام‌رسانی در برجسته‌سازی اهمیت روان‌شناسی اجتماعی، قابل توجه است (زمانی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از مهم‌ترین نقش‌های روان‌شناسی در تبلیغات، تاثیرگذاری بر رفتار مصرف‌کننده است. استفاده صحیح از روان‌شناسی به برندها کمک می‌کند تا ارتباطی بهتر و تاثیرگذارتر با مشتریان برقرار کنند و آن‌ها را به خرید ترغیب نمایند. احساسات و عواطف نقش قابل توجهی در انتخاب محصول دارند و تبلیغاتی که احساسات را درگیر می‌کنند، اثرگذارتر هستند (آکر، ۲۰۲۳).



مفاهیم روان‌شناسی در تبلیغات و نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم مهم روان‌شناسی در تبلیغات، «قانون تکرار» است. این اصل بیان می‌کند که تکرار پیام تبلیغاتی، احتمال به یادآوری و تصمیم به خرید را افزایش می‌دهد (اسمیت و جانسون، ۲۰۲۲). تبلیغات، یکی از راه‌های نفوذ به جامعه و تاثیرگذاری بر رفتار مردم است و روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند در درک و تحلیل تغییرات رفتار مردم و شناسایی علایق آن‌ها کمک کند (سولومون، ۲۰۱۸). به طور خلاصه، این مقاله بر اهمیت تبلیغات محیطی و نقش کلیدی روان‌شناسی اجتماعی در طراحی و اجرای تبلیغات موثر تاکید می‌کند. با درک بهتر رفتار مصرف‌کننده و استفاده از اصول روان‌شناسی، می‌توان تبلیغات را هدفمندتر، جذاب‌تر و در نهایت تاثیرگذارتر کرد. این امر مستلزم همکاری بین متخصصین تبلیغات و روان‌شناسان اجتماعی برای خلق کمپین‌های تبلیغاتی موفق است. پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند به ارائه راهبردهای دقیق‌تر و بهینه‌تر برای افزایش اثر بخشی تبلیغات منجر شود.

نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار تحصیلی



مولود مشهدی

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

با توجه به نفوذ گسترده رسانه‌های اجتماعی در زندگی روزمره، به‌ویژه بین دانش‌آموزان، این مقاله به بررسی تأثیر این پلتفرم‌ها بر زندگی تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد. در دنیای امروز، رسانه‌های اجتماعی فراتر از ابزارهای ارتباطی ساده هستند و بر هویت، رفتار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر قابل توجهی می‌گذارند. این مقاله به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است: چه پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان محبوب هستند؟ ویژگی‌های هر پلتفرم چگونه بر نحوه تعامل دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟ استفاده از رسانه‌های اجتماعی چه تأثیرات مثبت و منفی بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد؟



معرفی پلتفرم‌های پرکاربرد

در این بخش به معرفی و توصیف مختصر پلتفرم‌های فیس‌بوک، اینستاگرام، توییتر، تلگرام، فیلم‌نت، فیلیمو، نتفلیکس می‌پردازیم. برای هر پلتفرم، باید به شرح مختصری از ویژگی‌های کلیدی، شیوه‌ی استفاده‌ی دانش‌آموزان و محبوبیت آن در بین آن‌ها پرداخته شود. به عنوان مثال، برای اینستاگرام می‌توان به تمرکز بر محتوای بصری، استفاده از هشتگ‌ها و تاثیر آن بر جامعه‌ی دانش‌آموزی اشاره کرد.

ویژگی‌های منحصر به فرد هر پلتفرم و نحوه تعامل کاربران

در این بخش به جزئیات بیشتر در مورد ویژگی‌های منحصر به فرد هر پلتفرم و نحوه‌ی تعامل کاربران با آن می‌پردازیم. مثلاً برای فیس‌بوک می‌توان به امکان ایجاد گروه‌ها و رویدادها و ارتباطات عمیق‌تر اشاره کرد. برای توییتر، سرعت بالای انتشار اطلاعات و دنبال کردن افراد مشهور و متخصصان، و برای تلگرام، قابلیت ایجاد گروه‌های بزرگ و کانال‌های عمومی برای انتشار اطلاعات به تعداد زیادی از کاربران. این صفحه باید نحوه‌ی متفاوت تعامل دانش‌آموزان با هر پلتفرم را به طور دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهد.

تأثیرات مثبت رسانه‌های اجتماعی بر دانش‌آموزان

در این بخش به بررسی جنبه‌های مثبت استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان می‌پردازیم. می‌توان به مواردی مانند دسترسی آسان به اطلاعات آموزشی، برقراری ارتباط با همکلاسی‌ها و اساتید، شرکت در گروه‌های مطالعاتی آنلاین،



دسترسی به منابع آموزشی آنلاین، و افزایش آگاهی در مورد موضوعات مختلف اشاره کرد. شواهد و مثال‌های واقعی برای تایید هر مورد ضروری است.

تأثیرات منفی رسانه‌های اجتماعی بر دانش‌آموزان

در این بخش به بررسی جنبه‌های منفی استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان می‌پردازیم. می‌توان به مواردی مانند اعتیاد به اینترنت، اختلال در تمرکز و یادگیری، کاهش زمان مطالعه، مقایسه‌ی خود با دیگران و ایجاد حسادت، قرار گرفتن در معرض محتوای نامناسب و خطر آسیب‌های سایبری اشاره کرد. ارائه‌ی شواهد و آمار مرتبط، این بخش را قوی‌تر می‌کند.

راهکارهای استفاده‌ی سالم از رسانه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان

در این بخش به ارائه راهکارهایی برای استفاده‌ی سالم و مؤثر از رسانه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان می‌پردازیم. می‌توان به مواردی مانند تعیین محدودیت زمانی برای استفاده از این پلتفرم‌ها، استفاده آگاهانه از شبکه‌های اجتماعی، تمرکز بر جنبه‌های مثبت و حذف جنبه‌های منفی، آموزش مهارت‌های مدیریت زمان و اولویت‌بندی، ارتباط با خانواده و دوستان در دنیای واقعی و استفاده از برنامه‌های مدیریت زمان و مسدود کننده‌ی وبسایت‌ها اشاره کرد.

سد



نوشته سهیلا کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اجتماعی

به نام خدا

دیواره سد خاکستری رنگه؟! همیشه فکر می‌کردم یک رنگ دیگه‌س!... شاید هم یک رنگ دیگه‌س و من فکر می‌کنم خاکستریه! مقابل سد ایستاده بودم.

صدای آب که با شدت به دیواره‌ی سد برخورد می‌کرد، نه تنها دل‌انگیز نبود بلکه ترسناک هم بود! دست‌هایم را مشت کردم و آنقدر فشار دادم که ناخن‌هام توی پوست دست‌هام فرو رفتند. احساس می‌کردم توانایی ایستادن روی پاهام را ندارم، سرما هم بیداد می‌کرد. باید قدم برمی‌داشتم، نه آهسته، بلکه باید می‌دویدم و خودم را توی آب پرت می‌کردم.



آبِ کف آلود حسی ناخوشایند در وجودم سرازیر می‌کرد.
طره‌های آب به دیواره‌ی بلند سد برخورد می‌کردند و روی آن سُر می‌خوردند و توی
عمق آب ناپدید می‌شدند.

تلفن‌ام توی دستم لرزید. عضلات صورتم منقبض شد.

«سلام عزیزم.»

«سلام.»

«خیاطام زنگ زد. کت و شلوارم حاضره. سر راحت برو بگیرش. فردا هم ساعت نه
حاضر باش. باید، خرید عقد را تمامش کنیم.»

«من امروز رفتم کپسول فینگولیمدام را بگیرم. سرکار نیستم.»

«راستی، امروز می‌گرفتی. ببخش یادم رفته بود. حالا ماه دیگه خودم می‌رم برات
می‌گیرم.»

«ماه‌های قبل هم همین را گفتی.»

«پس دلخوری! باید به من حق بدی. گفتم که با همکارم قرار دارم.»

«قراره ناهار خوردن توی رستوران...چه قرار مهمی!»

«سخت نگیر عزیزم. پس یادت نره کت و شلوارم را بگیر!»

«الو صدات خوب نمی‌آد، الو.»

و تماس را قطع کردم. دوباره تماس گرفت.

«الو رها؟»

«صدات را ندارم.»

«الو گوش کن رها...»



تماس را قطع کردم.

آب خروشان به دیواره ی سد برخورد می‌کرد.

کاش، کاش... حتی نمی دانم کاش چی! انگار آرزو هام را هم گم کردم.

دستم از آرنج تا نوک انگشت هام گز، گز و درد می‌کرد. دوباره پرده ای سفید دیدم را
تار کرده ، سرم سنگین بود و چشم درد داشتم، اما این‌ها اهمیت نداشت. مدتی بود که
با این بیماری کنار آمده و این مهمان بسیار ناخوانده را بدون هیچ مخالفتی پذیرفته
بودم.

تلفن ام آن قدر زنگ خورد تا روی پیغام گیر رفت.

در حال حاضر قادر به پاسخ گویی نیستم لطفا پیغام بگذارید.

«سلام رها جون. کجایی؟ دارم می‌رم پیش آرایش‌گرت، یادت که نرفته برام وقت
بگیری؟»

به خودش که شماره دادم...! گفتم که دیگه خودت زنگ بزنی و وقت بگیر...!

کمی دورتر چند خانواده نشسته بودند. دو ماشین و یک موتور سیکلت کنار
زیراندازهای شان پارک شده بود. هوا سرد و آسمان پوشیده از ابرهای سیاه رنگ بود.

فکر نمی‌کردم توی سرما، کسی برای تفریح این‌جا بیاد!

دوباره تلفن ام زنگ خورد و روی پیغام گیر رفت.

«سلام رها جون. خواهری خانه نیستی؟... یادت که نرفته بیای این‌جا. زودتر خودت

را برسان. باور کن یک مهمانی رسمی‌ست. نمی‌تونیم بچه‌ها را ببریم. تازه اولین بار

هم هست که خانه این همکار کامران می‌ریم. دیشب که گفتم نمی‌آی فکر کردم مثل

همیشه داری شوخی می‌کنی... آره معلومه که شوخی کردی. زودی بیا. منتظرم. راستی



برای بچه‌ها غذا هم درست کن. نرسیدم براشان شام درست کنم. حالا اگه حالت هم خوب نیست از بچه‌ها هم کمک بگیر. زود بیا ما دیرمان نشه!»

من که گفته بودم حالم خوب نیست و هر لحظه ممکنه بدتر هم بشه!

گفته بود «مامانم می‌گه نامزدت دروغ می‌گه. کسی که ام اس داره نمی‌تونه راه بره و تقریباً فلج می‌شه اما رها سالمه و حتی سرکار می‌ره!»

دکتر بعد از بررسی ام آر آی و آزمایش‌ها گفته بود «بیماری شما از نوع خوش خیمه و گاهی حمله بهت دست می‌ده که باید تحمل کنی!»

دوباره پرده‌ای سفید دیدام را تار کرد. باید خودم را توی سد پرت می‌کردم. شاید به دیواره‌ی سد برخورد کردم و توی عمق آب گم شدم...اما،اما...اما قدرتش را نداشتم...!

یعنی تا این حد ترسوام...؟!...یا...این که نه، خیلی شجاع‌ام؟!...آره خیلی شجاع‌ام!

تلفن‌ام دوباره توی دستم لرزید و هم زمان دستم بی‌حس شد و تلفن از دستم افتاد.

«سلام رها. قرار بود برام کتاب بخری، خریدی؟ می‌آری شان خانه‌ام؟ بیارشان، منتظرم بیای.»

بی اختیار روی زمین نشستم. سنگی خاکستری برداشتم و توی سد پرت کردم. هیچ تغییری در سطح آب ایجاد نشد. هوا خیلی سرد بود. زانوهام را بغل گرفتم و توی خودم جمع شدم.

ای کاش...ای کاش...دوباره آرزوهام را گم کردم و نمی‌دانم ای کاش چی؟! آبِ ناآرام با قطره‌های خودش هم سر جنگ داشت. اما با تمام ناآرامی زیبا و دل‌انگیز به نظر می‌رسید، صدایش در زمان طغیان گوش خراش بود و در زمان آرامش گوش



نواز. هم دوستش داشتم و هم دوستش نداشتم. هوا خیلی سرد بود، اما دیگر ابری در آسمان نبود و آسمان آبی رنگ و روشن بود.

کم کم باید می‌رفتم... به دلیل شجاعت‌ام باید می‌رفتم، می‌رفتم به خانه‌ام... خانه‌ی قدیمی نه، باید به خانه تازه‌ام می‌رفتم. خانه‌ای که هنوز کسی خبر نداشت مالک‌اش هستم، خودم نیز تا چند ساعت پیش از داشتن‌اش بی‌خبر بودم. تلفن‌ام را از روی زمین برداشتم. دستم بی‌حس شد و تلفن از دستم افتاد، اهمیت ندادم و به سمت ماشین‌ام قدم برداشتم. صدای موتور سیکلت به گوشم رسید و چند ثانیه بعد صدای خورد شدن چیزی. همان‌طور که به سمت ماشین‌ام می‌رفتم سرم به عقب چرخید. موتور سیکلت با سرعت از کنارم گذشت، جنازه‌ی تکه، تکه شده‌ی تلفن روی زمین بود. لبخندی عمیق در چهره‌ام نشست! با آرامش نگاهم را از تلفن گرفتم و سبک‌بال به سوی خانه‌ی تازه‌ام حرکت کردم.

پایان

فعال محیط زیست



علیرضا فیاض در راستای عمل به شعار نه به دخانیات و نیز حفظ محیط زیست و بهداشت محیط شهروندی، عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در استان چهارمحال و بختیاری که بیش از سی سال سابقه مبارزه با استعمال دخانیات (سیگار و قلیان) را در کارنامه خود دارد و در طول این سالها بگونه‌ای مستمر به کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان و حتی سالمندان در خصوص زیانهای استعمال دخانیات برای سلامت روانی و جسمی شهروندان و نیز آثار مخرب فیلترهای سیگار برای خاک، ریشه گیاهان و بهداشت محیط شهروندی متذکر می‌گردید، در حرکتی کاملاً خودجوش با هدف عمل به شعار نه به دخانیات، حفظ طبیعت کره زمین و نیز بکارگیری از کارشناسان محترم حوزه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی برای بررسی دلایل گرایش برخی از نوجوانان و جوانان نسبت به استعمال دخانیات در



طول سه سال گذشته، با خودرو و هزینه شخصی سفر خود را به استانهای کشور آغاز کرده و ضمن جمع آوری فیلترهای سیگار در در پارکها و گذرگاههای درون شهرها، در بیرون از شهرها بجای این فیلترهای سیگار به دلیل خشکسالیهای پیاپی کشور، اقدام به کشت بذرها و نهال های مقاوم به کم آبی می نماید .ایشان خواستار فرهنگسازی و آموزش همگانی به نوجوانان و جوانان نسبت به زیانهای استعمال دخانیات برای سلامت شهروندان، سلامت و بهداشت محیط زیست شهری شد و از عموم مردم شریف ایران خواست تا هر کس به اندازه وظیفه خود در حفظ طبیعت از وجود زباله در جهت حفظ کره زمین تلاش نماید و شهروندانی که گرایش به استعمال دخانیات دارند جدا از این کار پرهیز نمایند و به کسانی که تصمیم به ترک سیگار ندارند نیز تاکید کرد هیچگاه فیلتر سیگار خود را در پارک ها، گذرگاه ها و جلوی مغازه ها و فروشگاهها رها نکنند.



www.iranian-asp.com

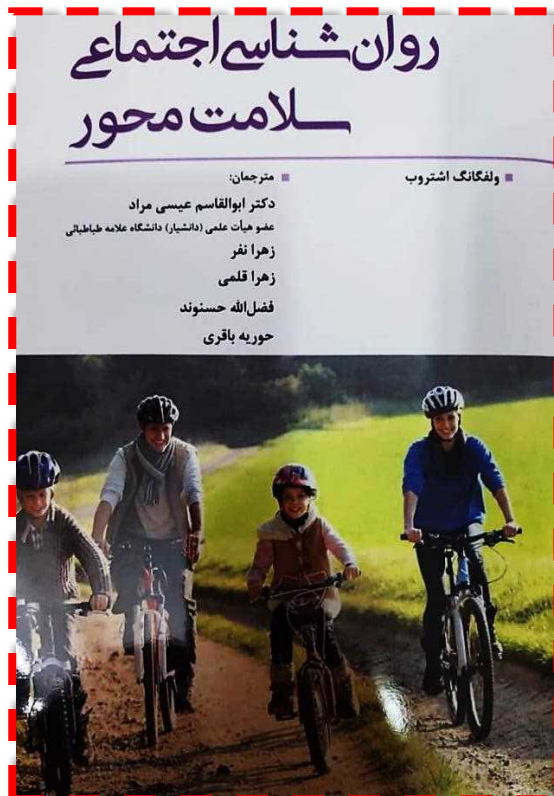


نشانی وبسایت رسمی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران





معرفی کتاب



عنوان: روان‌شناسی اجتماعی سلامت محور

نویسنده: ولفگانگ اشتروبه

مترجمان: دکتر ابوالقاسم عیسی‌مراد، زهرا نفر، زهرا قلمی

فضل‌الله حسنونند، حوریه باقری

انتشارات: آوای نور

سال نشر: ۱۴۰۱



درباره کتاب

روان‌شناسی سلامت محور یکی از زیر شاخه‌های روان‌شناسی اجتماعی کاربردی است که در حوزه سلامت و بهداشت مطرح می‌شود. مجموعه‌ای که در پیش داریم، بررسی رفتارهای مختلف در موقعیت‌های اجتماعی، مانند جامعه، بیمارستان، محیط‌های تعلیم و تربیت، محیط ورزشی و مشابه آن مورد عنایت قرار می‌گیرد. روان‌شناسی اجتماعی با تمرکز بر مدل‌های بین‌المللی زیستی - اجتماعی - معنوی به صورت کاربردی با پیشگیری‌های مختلف بدان تمرکز و توجه دارد.

همان‌گونه که روان‌شناسی سلامت که به مباحث مرتبط به سلامتی‌ها و بهداشت و پیشگیری‌ها و اجتناب از بیماری‌ها و فشارها توجه دارد، «روان‌شناسی اجتماعی سلامت محور» هم همان امور را در جایگاه و موقعیت‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. کتاب حاضر که ترجمه کتاب "social psychology and health" می‌باشد به ۸ موضوع اساسی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی با عناوین ۱- تغییر نگرش نسبت به سلامتی و بیماری ۲- تعیین‌کننده‌های رفتار سالم ۳- فراسوی رفتارهای سالم ۴- رفتار و سلامتی - تمایلات بیش از حد ۵- مراقبت از خود ۶- استرس و سلامتی ۷- تعیین‌کننده‌ها - رابطه استرس و سلامتی ۸- ارتقاء سلامت مورد توجه قرار گرفته است. بی‌شک کاربرد موارد مطروح در فصول کتاب به جامعه علمی کمک شایانی خواهد کرد.

مترجمان کتاب حاضر را برای اساتید گروه‌های روان‌شناسی، پزشکی، بهداشت و درمان، مراکز تعلیم و تربیت و سازمان‌هایی که بحث سلامت اجتماعی برای آن‌ها بیشتر حائز اهمیت است توصیه می‌کنند.



اثر خود را معرفی کنید

همکاران فرهیخته در صورتی که مایل هستید کتاب شما در خبرنامه رسمی و پایگاه اینترنتی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران معرفی شود لطفاً یک نسخه از اثر خود را به آدرس تهران، خیابان نجات الهی، نبش سپند، ساختمان اداری دانشگاه پیام نور تهران جنوب، طبقه دوم، اتاق ۲۰۴ دفتر انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران ارسال نمایید.

شماره تماس جهت هماهنگی ۰۹۱۰۲۶۵۶۱۴۴





شماره جدید نشریه‌های انجمن



www.socialpsychology.ir

فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی

شماره ۵۶ فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی منتشر شده و شماره ۵۷ به‌زودی منتشر خواهد شد. از همه پژوهشگران گرامی دعوت می‌شود تا مقالات پژوهشی خود را (فقط در زمینه‌های مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی) به سایت این نشریه به نشانی اینترنتی www.socialpsychology.ir ارسال نمایند.

جهت دریافت رایگان مقالات این فصلنامه به نشانی پایگاه اینترنتی فوق مراجعه بفرمایید.



جمهوری اسلامی ایران
سازگارشماره ۹۸ و پیاپی ۱۳۹۸
ISSN 2423-5177



پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی

فصلنامه علمی-پژوهشی

موضوع: اثرات تعدیل‌کنندگی طیف‌های مذهبی مبتنی بر صفات و ویژگی‌های بین‌اسنن بر اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر تعارضات

نویسنده: سحر محمدی

موضوع: بررسی اضطراب اجتماعی بر اساس مسکن دستکاری و مداخلات مبتنی بر تابایی روان‌شناختی

نویسنده: سیدمهدی، نورانی، نورانی

موضوع: اعتبار، روایی و ساختار عاملی تأییدی نسخه‌های فارسی مقیاس اضطراب اجتماعی لایونز

نویسنده: سحر محمدی، نورانی، فانی، فانی، کبری

موضوع: مدل علی برآورد خوش‌بینی و اخلاقی بر روابط فراخانواده با واسطه‌های شکیبایی مجازی و رسالت اجتماعی

نویسنده: کیانوش، محمد، برناب، اثر، صفارنژاد، عباس، کوشش

موضوع: بررسی خصوصیات روان‌شناختی مقیاس جهت‌گیری تعریف خصوصی اینترنتی در دانشجویان ایرانی

نویسنده: کبری، طهماسبی، حسن، زری، شکر، سعید، ناگانی

موضوع: پیش‌بینی نشانه‌های حساسیت اضطرابی با میانجیگری ذهن‌آگاهی بر اساس اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان

نویسنده: آید، کهریزان، جعفرزاده، نورانی، کزانی، نورانی

موضوع: اثربخشی آموزش نظریه ذهن بر عملکرد و عملکردی در کودکان

نویسنده: زینب، شیخ، اسلامی، سعاده، بوری

۹۸

۹۷

۹۶

۹۵

۹۴

۹۳

۹۲

۹۱

۹۰

۸۹

۸۸

۸۷

۸۶

۸۵

۸۴

۸۳

۸۲

۸۱

۸۰

۷۹

۷۸

۷۷

۷۶

۷۵

۷۴

۷۳

۷۲

۷۱

۷۰

۶۹

۶۸

۶۷

۶۶

۶۵

۶۴

۶۳

۶۲

۶۱

۶۰

۵۹

۵۸

۵۷

۵۶

۵۵

۵۴

۵۳

۵۲

۵۱

۵۰

۴۹

۴۸

۴۷

۴۶

۴۵

۴۴

۴۳

۴۲

۴۱

۴۰

۳۹

۳۸

۳۷

۳۶

۳۵

۳۴

۳۳

۳۲

۳۱

۳۰

۲۹

۲۸

۲۷

۲۶

۲۵

۲۴

۲۳

۲۲

۲۱

۲۰

۱۹

۱۸

۱۷

۱۶

۱۵

۱۴

۱۳

۱۲

۱۱

۱۰

۹

۸

۷

۶

۵

۴

۳

۲

۱

۱۳۹۸

۱۳۹۷

۱۳۹۶

۱۳۹۵

۱۳۹۴

۱۳۹۳

۱۳۹۲

۱۳۹۱

۱۳۹۰

۱۳۸۹

۱۳۸۸

۱۳۸۷

۱۳۸۶

۱۳۸۵

۱۳۸۴

۱۳۸۳

۱۳۸۲

۱۳۸۱

۱۳۸۰

۱۳۷۹

۱۳۷۸

۱۳۷۷

۱۳۷۶

۱۳۷۵

۱۳۷۴

۱۳۷۳

۱۳۷۲

۱۳۷۱

۱۳۷۰

۱۳۶۹

۱۳۶۸

۱۳۶۷

۱۳۶۶

۱۳۶۵

۱۳۶۴

۱۳۶۳

۱۳۶۲

۱۳۶۱

۱۳۶۰

۱۳۵۹

۱۳۵۸

۱۳۵۷

۱۳۵۶

۱۳۵۵

۱۳۵۴

۱۳۵۳

۱۳۵۲

۱۳۵۱

۱۳۵۰

۱۳۴۹

۱۳۴۸

۱۳۴۷

۱۳۴۶

۱۳۴۵

۱۳۴۴

۱۳۴۳

۱۳۴۲

۱۳۴۱

۱۳۴۰

۱۳۳۹

۱۳۳۸

۱۳۳۷

۱۳۳۶

۱۳۳۵

۱۳۳۴

۱۳۳۳

۱۳۳۲

۱۳۳۱

۱۳۳۰

۱۳۲۹

۱۳۲۸

۱۳۲۷

۱۳۲۶

۱۳۲۵

۱۳۲۴

۱۳۲۳

۱۳۲۲

۱۳۲۱

۱۳۲۰

۱۳۱۹

۱۳۱۸

۱۳۱۷

۱۳۱۶

۱۳۱۵

۱۳۱۴

۱۳۱۳

۱۳۱۲

۱۳۱۱

۱۳۱۰

۱۳۰۹

۱۳۰۸

۱۳۰۷

۱۳۰۶

۱۳۰۵

۱۳۰۴

۱۳۰۳

۱۳۰۲

۱۳۰۱

۱۳۰۰

۱۲۹۹

۱۲۹۸

۱۲۹۷

۱۲۹۶

۱۲۹۵

۱۲۹۴

۱۲۹۳

۱۲۹۲

۱۲۹۱

۱۲۹۰

۱۲۸۹

۱۲۸۸

۱۲۸۷

۱۲۸۶

۱۲۸۵

۱۲۸۴

۱۲۸۳

۱۲۸۲

۱۲۸۱

۱۲۸۰

۱۲۷۹

۱۲۷۸

۱۲۷۷

۱۲۷۶

۱۲۷۵

۱۲۷۴

۱۲۷۳

۱۲۷۲

۱۲۷۱

۱۲۷۰

۱۲۶۹

۱۲۶۸

۱۲۶۷

۱۲۶۶

۱۲۶۵

۱۲۶۴

۱۲۶۳

۱۲۶۲

۱۲۶۱

۱۲۶۰

۱۲۵۹

۱۲۵۸

۱۲۵۷

۱۲۵۶

۱۲۵۵

۱۲۵۴

۱۲۵۳

۱۲۵۲

۱۲۵۱

۱۲۵۰

۱۲۴۹

۱۲۴۸

۱۲۴۷

۱۲۴۶

۱۲۴۵

۱۲۴۴

۱۲۴۳

۱۲۴۲

۱۲۴۱

۱۲۴۰

۱۲۳۹

۱۲۳۸

۱۲۳۷

۱۲۳۶

۱۲۳۵

۱۲۳۴

۱

فهرست مقالات چاپ شده در شماره ۵۶

- ۱- فراتحلیل سرمایه اجتماعی و رفتارهای سلامت محور: مرور متون
- ۲- اثربخشی توان بخشی شناختی رایانه محور بر انزوای اجتماعی و اضطراب مرگ سالمندان مقیم مراکز سالمندان
- ۳- نقش خودپنداره و بهزیستی مدرسه در میزان خشم دانش آموزان پسر
- ۴- مطالعه عرضی روند تغییرات مهارت های اجتماعی، انگیزه تحصیلی و ثبات قدم در دانشجویان سال اول تا سوم دانشگاه
- ۵- نقش تعدیل کنندگی جنسیت در رابطه دین داری، خوش بینی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در استان خوزستان



- ۶- ارزیابی مدل کیفیت زندگی بر اساس مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی با میانجی‌گری حمایت اجتماعی ادراک‌شده و باورهای مذهبی در زنان سرپرست خانوار
- ۷- کشف و شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری: یک مطالعه داده بنیاد
- ۸- اثربخشی مداخله فرزندپروری آگاه از آسیب بر ترومای دوران کودکی و مهارت‌های تعاملی والدین در خانواده‌های فرزندپذیر
- ۹- ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی قصد رفتاری اهدای خون بر اساس هنجار اخلاقی و میانجی‌گری هویت در اهداکنندگان خون در شهر تهران
- ۱۰- پیش‌بینی اشتغال‌پذیری خود-ادراک شده براساس سبک‌های دلبستگی، ذهنی‌سازی و بلندپروازی مسیرشغلی در فارغ‌التحصیلان دانشگاه
- ۱۱- رابطه نظریه ذهن و کارکردهای اجرایی با قلدری سایبری: نقش میانجی‌گر همدلی
- ۱۲- رابطه سبک‌های اسنادی و هویت با مسئولیت‌پذیری: نقش میانجی ادراک شایستگی



دوفصلنامه شناخت اجتماعی

بیست‌وششمین شماره دوفصلنامه شناخت اجتماعی (آذر ۱۴۰۳) با همکاری دانشگاه پیام‌نور و انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به چاپ رسیده و علاقمندان می‌توانند از مقالات علمی- پژوهشی آن استفاده کنند. نشانی اینترنتی این نشریه جهت ارسال مقاله <http://sc.journals.pnu.ac.ir> است.





شرایط و مدارک لازم جهت عضویت در انجمن

مدارک لازم جهت عضویت

- ✓ یک قطعه عکس ۳ در ۴
- ✓ تصویر کارت ملی و شناسنامه
- ✓ تصویر آخرین مدرک تحصیلی و یا کارت دانشجویی
- ✓ تصویر فیش واریزی
- ✓ ۵۸۵۹-۸۳۱۱-۳۲۷۲-۱۷۴۶ (بانک تجارت)

شرایط و انواع عضویت

عضویت در این انجمن برای تمامی فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و رشته‌های مرتبط امکان‌پذیر است.

✓ **عضویت دانشجویی:** دانشجویان تمامی رشته‌های مرتبط با روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌توانند با پرداخت مبلغ پنجاه هزار تومان به مدت یک سال از عضویت دانشجویی برخوردار شوند.

✓ **عضویت وابسته:** دارندگان مدرک کارشناسی در رشته روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط با این حوزه، با پرداخت مبلغ هفتاد هزار تومان، می‌توانند به عنوان عضو وابسته انجمن فعالیت کنند. عضویت به مدت یک سال اعتبار دارد.

✓ **عضویت پیوسته:** دارندگان مدرک ارشد یا دکتری در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط می‌توانند با پرداخت صد هزار تومان به عنوان حق عضویت سالانه، عضو پیوسته انجمن شوند.



با عضویت در انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران، می‌توانید از امکانات متنوعی همچون شرکت در کارگاه‌ها و همایش‌های تخصصی، وینارها و سخنرانی‌ها (با تخفیف ویژه)، دسترسی به منابع علمی و ایجاد ارتباط با همکاران خود بهره‌مند شوید.

نحوه عضویت

برای عضویت در انجمن، کافی است به وبسایت انجمن به آدرس اینترنتی www.iranian-asp.com مراجعه فرمایید و تصاویر مدارک را بارگزاری و ثبت‌نام کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید

۰۹۱۰۲۶۵۶۱۴۴

۰۹۹۱۳۹۰۵۰۲۶



همکاری در تدوین خبرنامه



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران همانند گذشته در نظر دارد مطالب و اخبار روزآمد در زمینه روان‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی ارسال شده توسط شما را با نام خودتان در شمارگان آتی درج نماید، لذا از تمامی اساتید، همکاران، دانشجویان، و سایر علاقمندان دعوت می‌شود مطالب خود را در زمینه‌های زیر به رایانامه ذیل ارسال نمایید.

- ۱- اخبار پژوهش‌های روزآمد روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۲- اخبار همایش‌ها و کنگره‌های روان‌شناسی (ملی و بین‌المللی)
- ۳- اخبار چاپ کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی (و حوزه‌های مرتبط)
- ۴- چکیده پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی
- ۵- اخبار رویدادهای حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۶- اخبار چاپ نشریه‌های علمی - پژوهشی روان‌شناسی



۷- اخبار نتایج پژوهش‌های نوین ملی و بین‌المللی روان‌شناسی (با تأکید بر حوزه روان‌شناسی اجتماعی)

۸- معرفی نشریه‌های جدید روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت)

۹- معرفی سایت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی

و سایر مطالب روزآمد حوزه حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) که خواستار به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگر همکاران هستید.

dalirasp@gmail.com



تقارن بهار قرآن و بهار طبیعت مبارک



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY

اگر این خبرنامه را مفید یافتید، شما هم در نشر آن سهیم باشید.